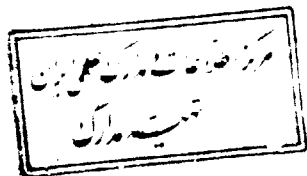


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٢٥٣٢٢



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده علوم اداری و اقتصادی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه:

بررسی مزایا و معایب عضویت ایران در گات از نقطه نظر
بخش خدمات

نگارش:

شهرام گلستانی

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد حسین مهدوی عادل

اساتید مشاور:

آقای دکتر ابراهیم گرجی

آقای دکتر محمود هوشمند

۱۳۷۵

تقدیم به : استاد بزرگوار

جناب آقای دکتر محمد مسین مهدوی عادل

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۵	فصل اول - تاریخچه‌ای در مورد سازمان تجارت جهانی از آغاز تا کنون
۶	۱-۱ فعالیتها
۲۳	۱-۲ اهداف
۲۶	۱-۳ تشکیلات
۲۸	فصل دوم - بررسی مجموعه قوانین موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (GATS).....
۴۶	فصل سوم - بررسی بخشهای خدماتی در ایران.....
۴۷	۳-۱ حمل و نقل.....
۴۷	۳-۱-۱ حمل و نقل دریائی.....
۵۶	۳-۱-۲ حمل و نقل هوائی
۶۱	۳-۱-۳ حمل و نقل زمینی
۶۱	۳-۱-۳-۱ حمل و نقل ریلی
۶۸	۳-۱-۳-۲ حمل و نقل جاده‌ای
۷۳	۳-۲ خدمات بیمه
۸۲	۳-۳ خدمات جهانگردی
۹۶	۳-۴ ارتباطات راه دور.....
۱۰۲	۳-۵ خدمات تجاری (حرفه‌ای).....

صفحه	عنوان
	فصل چهارم - مطابقت مجموعه قوانین مؤافقتنامه عمومی تجارت خدمات با وضعیت کنونی بخشهای
۱۰۵	خدماتی در ایران
۱۲۴	فصل پنجم - نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۳۲	ضمائم
۱۵۴	فهرست منابع

مقدمه

الوین و هیدی تافلر در کتابهای «موج سوم» و «جنگ و پادجنگ» نظریه‌ی را بنده گذاشته‌اند که این نظریه بر سه مقطع تاریخی یا سه موج با سه تمدن جهان شمول استوار است که هر یک دیگری را با جنگ و تغییرات عظیم اجتماعی از میدان بدر برده و یا در حال مبارزه با آن است. الوین تافلر این سه تمدن را چنین تعریف و مرزبندی می‌کند: «تاکنون نژاد بشری دو موج عظیم تحول را پشت سر گذاشته که هر کدام به میزان وسیعی فرهنگها و تمدن‌های پیشین را محو کرده است و شیوه‌هایی از زندگی را که بر پیشینیان غیر قابل تصور بود جایگزین آن ساخته است. موج اول تمدن: یعنی انقلاب کشاورزی هزاران سال طول کشید تا مأموریت خود را به پایان رساند. موج دوم، یعنی پیدایش تمدن صنعتی ۳۰۰ سال بطور انجامید. و امروز تاریخ حتی شتاب آورده‌تر است و گویی که موج سوم به سرعت بستر تاریخ را طی می‌کند...».

تافلر زمان «انقلاب کشاورزی» را از هشت هزار سال قبل از میلاد مسیح تا سالهای ۱۶۵۰-۱۷۵۰ و تا انقلاب علمی نیوتونی گسترده می‌داند: یعنی تا زمانی که بشر توانست با کمک قوه بخار، ماشین را به حرکت درآورد و سپس انقلاب صنعتی آغاز شد و «موج دوم» یا «تمدن صنعتی» بوجود آمد که تا نیمه دوم قرن حاضر، یعنی حدود سیصد سال به درازا کشیده شده است. آنگاه با به اوج رسیدن تمدن صنعتی در آمریکا و اروپا و ژاپن، جهان وارد مرحله «موج سوم» یا «انقلاب الکترونیک» شده است.

تافلرها وضعیت اقتصادی این سه موج را چنین خلاصه می‌کنند:

دولتهای موج اول ممکن است برای فروش فرآورده‌های کشاورزی به مواد خامشان

به یک یا چند کشور سخت وابسته باشند. زامبیا مس خود را می‌فروشند، کوبا شکر و بولیوی قلع خود را، اما اقتصاد آنها مشخصاً عاری از هرگونه تنوع است. کشاورزی تک محصولی، تمرکز داشتن بر یک منبع یا منابع انگشت‌شمار، بخش تولیدات صنعتی رشد نیافته و بخش توسعه نیافته خدمات، همگی از نیاز به پیوستگی به جهان خارج می‌کاهند. موج دوم یا تمدن صنعتی، همان مرحله‌ای است که اکثر جوامع امروزی در آن به سر می‌برند و عمری حدود سیصد سال دارد و در بطن این موج، مرحله آغازین موج سوم در حال شکل‌گیری است. در این دوران تولید انبوه، فزونی یقه آبی‌ها (کارگران) کارخانجات عظیم، پیچیدگی اقتصادی و ساختار اجتماعی، ارتباطات تنگاتنگ با جوامع دیگر، مجتمع‌های صنعتی و استفاده از انرژی فسیلی را می‌توان به عنوان ممیزه و شاخص اقتصادی تمدن صنعتی نسبت به تمدن کشاورزی و تمدن فرامدرنیست دانست و وجود «بازار» برای مبادله کالا، با مکانیزمی مغایر با بازار مرحله کشاورزی است.

تافلرها پس از تشریح همه جانبه سمبلها و مظاهر موج دوم به تشریح چگونگی تمدن دیگری که از بطن تمدن پیشین در حال زایش است، می‌پردازد. آنها شروع این انقلاب را از آمریکا و از نیمه دوم قرن بیستم می‌دانند و معتقدند که جایگزینی علوم و اختراعات و صنایعی چون، الکترونیک کوانتومی، تئوری اطلاعات، زیست‌شناسی مولکولی و علوم فضائی به جای صنایع ذغال سنگ، راه آهن، منسوجات، فولاد، که مشخصه موج دوم بودند، از جمله وجوه امتیاز و ویژگیهای موج سوم قلمداد می‌شوند. در این دوران صنایع موج دوم از کشورهای مادر و صنعتی به جهان سوم منتقل می‌شوند و دانشمندان و کارگران موج سوم به تحقیق و مطالعه و کشف و تولید دستاوردهای جدید

موج سوم می‌پردازند. در تمدن موج سوم بخش خدمات به بخش صنعت پیشی خواهد گرفت و کارگران صناعی چون اتومبیل سازی، با خط تولید انبوه، به کشورهای عقبتر منتقل می‌شوند.

بنابراین نظریه، آثار تحول مزبور هم‌اکنون ظاهر شده است و مناطق موج سوم به تولید کالاهای سفارشی، اما بسیار پیچیده و سنگین قیمت می‌پردازند. به قول تافلر "یک اقتصاد نوین در حال سر برآوردن است، اقتصادی که بیشتر بر پایه دانش استوار است تا مواد خام متعارف" و ملتهای موج سوم نیز اطلاعات، نوآوری، فرهنگ و باورهای مردمی، تکنولوژی پیشرفته، نرم افزار، تعلیم و تربیت آموزش و مراقبتهای پزشکی، خدمات مالی و سایر خدمات را به جهان می‌فروشند.

با توجه به این تئوری و با التفات به واقعیت و آنچه که در حال گذر می‌باشد می‌بینیم که تجارت در خدمات در طی دهه ۹۲-۱۹۸۲ با رشدی سریعتر از صادرات کالائی رشد یافته، یعنی با نرخ رشد متوسط سالانه ۹/۵٪ در حالی که صادرات کالائی ۷/۱٪ رشد داشته‌اند. و سهم خدمات تجاری از ۱۷٪ در سال ۱۹۸۰ به ۲۲٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. بعلاوه قسمت اعظم این رشد بخش خدمات در نتیجه رشد سریع دانش و آگاهی در کشورهای صنعتی بروز کرده است که بر همین اساس این کشورهای صنعتی و عمده آمریکا تمایل زیادی به آزادسازی و جهانی شدن خدمات از خود نشان دادند. و با توجه به این تلاشها، تجارت خدمات بعنوان یکی از حیطه‌های کاری در مذاکرات دور اروگوئه در سازمان تجارت جهانی مطرح گردید و برای آن اصول و قواعدی در چارچوب تجارت چند جانبه در نظر گرفته شد.

این پایان نامه در نظر دارد که تا حد توان مزایا و معایبی که متوجه هر یک از بخشهای خدماتی کشورمان در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) می گردد را مورد بررسی قرار دهد. و تمهیداتی که برای عضویت در هر یک از این بخشها لازم است را مورد نظر قرار دهد. بر همین اساس برای آشنائی با سازمان تجارت جهانی فصل اول به تاریخچه ای در مورد این سازمان اختصاص یافته که در بردارنده فعالیتها، اهداف و تشکیلات این سازمان می باشد. در فصل دوم به بررسی مجموعه قوانین موافقتنامه عمومی تجارت خدمات پرداخته می شود. در فصل سوم وضعیت این بخشهای خدماتی در کشورمان را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می دهیم. فصل چهارم به این امر اختصاص یافته که میزان مطابقت بخشهای خدماتی در ایران را با قوانین ذکر شده بیان نماید و تغییراتی که لازم است انجام گیرد تا به عضویت این موافقت نامه در آئیم و نیز بیان مزایا و معایبی که از عضویت بدست خواهیم آورد یا متحمل خواهیم گردید را مورد بررسی قرار دهد. و در فصل پنجم به نتیجه گیری در مورد تأثیرات عضویت بر روی تک تک بخشهای خدماتی، کل بخش خدمات و نیز اثرات احتمالی آن به روی کل اقتصاد خواهد پرداخت و پیشنهاداتی را برای بهبود این روند ارائه می نماید.

فصل اول

تاریخچه‌های در مورد سازمان
تجارت جهانی (WTO) از آغاز تا کنون

۱-۱ فعالیتها

در حقیقت فکر بوجود آوردن سازمانی که بتواند موانع تجاری بین کشورها را از میان بردارد پس از جنگ اول جهانی مطرح گردید و تلاش برای بوجود آوردن چنین مکانی از آن پس شدت گرفت. پس از جنگ اول جهانی که اروپا را با مشکلات عظیم اقتصادی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش شدید ارزش پول، اختلال در مبادلات بازرگانی و بیکاری گسترده روبرو کرده بود موجب گردید که دولتهای اروپائی و هم چنین آمریکا به اتخاذ سیاستهای حمایتی شدید جهت حمایت از صنایع داخلی و اقدامات تلافی جویانه در قبال شرکای تجاری خود متوسل گردند.

پس از گذشت حدود ده سال از جنگ اول جهانی که کشورهای اروپائی توانسته بودند خرابیهای جنگ را بازسازی نمایند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند، مشکل جدیدی مطرح گردید. و آن این بود که اعمال سیاستهای حمایتی از طرف دولتها و وجود محدودیتهای متعدد در مبادلات بین‌المللی، عملاً موانع بزرگی را در راه شکوفائی تجارت ایجاد کرده بود. بر همین اساس، نخستین گردهمایی بین‌المللی به منظور مذاکره درباره مسائل مربوط به تولید و تجارت در سال ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل در شهر ژنو برگزار شد. که در آن مذاکرات و توصیه‌های کنفرانس ژنو بر این مبنا قرار گرفت که موانع تجاری باید مرتفع گردند و دولت‌ها با تعدیل سیاستهای حمایتی و گرایش به اصول لیبرالیسم اقتصادی، راه را برای رعایت شرط "دولت کامله الو داد" در حق یکدیگر هموار سازند. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس بصورت توصیه و سفارش باقی ماند و هیچ‌گاه جامعه عمل نپوشید و دولتهای شرکت‌کننده در این کنفرانس به جای حرکت در

یک مسیر هماهنگ، هر یک در پی حمایت از منافع خود درآمدند. یکی از مهمترین عواملی که موجب ناکام ماندن این تلاش گردید، عملکرد ایالات متحده آمریکا بود که پس از جنگ بعنوان قدرت مطرح اقتصادی جهان درآمده بود. در سال ۱۹۲۹ حدود ۴۵ درصد از تولید مصنوعات جهانی در آمریکا متمرکز شده بود و از طرف دیگر این کشور ۲۰ درصد از صادرات جهانی را نیز در اختیار داشت. اما بخش کشاورزی این کشور دوران نامطلوبی را طی می کرد. از اینرو کنگره آمریکا به منظور کمک به این بخش و حمایت از آن در مقابل رقابت خارجی، خواهان افزایش عوارض بیشتر بر واردات محصولات کشاورزی بودند و برای کسب حمایت تمامی نمایندگان، مجبور شدند که با افزایش تعرفه بر واردات بسیاری از محصولات صنعتی نیز موافقت نمایند. و در واقع تعرفه‌هایی که قرار بود تنها به منظور حمایت از بخش کشاورزی افزایش یابد، طبق قانون تعرفه‌ای اسموت - هاوولی (Smoot-Hawley) نزدیک به ۸۰۰ قلم کالای کشاورزی و صنعتی را شامل گردید. اقدام آمریکا در مورد افزایش تعرفه‌ها بر واردات، عکس العمل دیگر کشورها بویژه کشورهای اروپائی را بدنبال داشت. انگلستان نیز که بعد از آمریکا دومین صادرکننده بزرگ جهان به شمار می رفت، در سال ۱۹۳۱ پایه پولی طلا را ترک کرد و بنا تصویب قانون عوارض وارداتی در سال ۱۹۳۲ به حدود یک قرن تجارت آزاد پایان داد. این تحولات که با بحران بزرگ که در سال ۱۹۲۹ آغاز شده بود همراه گردید و تجارت جهانی را به شدت متأثر گرداند. به طوریکه ارزش صادرات آمریکا از ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۲ کاهش یافت و حجم تجارت جهانی کالاهای ساخته شده در این سال حدود ۴۰٪ تنزل یافت.

بدنبال پیروزی دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۳۲ مفهوم جدیدی از نقش آمریکا در جهان شروع به شکل‌گیری نمود. وزیر امور خارجه وقت آمریکا کوردل هال (Cordell Hull) از حامیان اصلی این نظریه بود که آمریکا باید ابتکار غلبه بر سیاستهای حمایتی را در دست گیرد. وی اعتقاد داشت که حذف موانع تجاری، از ابزار اصلی جلوگیری از رکود در تجارت بین‌المللی، دستیابی به ثبات و موفقیت در اقتصاد جهانی و نیز کاهش تنش‌های سیاسی به شمار می‌رود. فشارهای کوردل هال و حامیانش بر کنگره آمریکا منجر به تصویب قانون تجاری دیگری بنام قانون موافقت‌نامه‌های تجاری متقابل در سال ۱۹۳۴ گردید. که بر اساس این قانون به رئیس‌جمهور آمریکا اختیار داده می‌شد که برای مدت سه سال در خصوص کاهش تدریجی عوارض گمرکی تا ۵۰ درصد اقدام به عقد موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای مختلف نماید. و تا سال ۱۹۳۷ آمریکا موفق گردید تا بر اساس اصل دولت کامله الوداد، که در قانون فوق پیش‌بینی شده بود با ۲۹ کشور جهان موافقت‌نامه‌های تجاری دو جانبه منعقد نماید، که در نتیجه متوسط نرخ تعرفه‌های گمرکی در این مدت از ۴۸٪ به ۲۵ درصد کاهش یافت. اگر چه که تأثیر این توافقات بر تعرفه‌ها چندان زیاد نبود، اما اقدام مهمی برای ایجاد چهارچوب مذاکرات که به کاهش بیشتر تعرفه‌ها در آینده منجر گردید، بود.

اما پس از این امر با وقوع جنگ دوم جهانی، قدرت اقتصادی و تولیدی کشورها به شدت تضعیف شد و ترکیب و جهت مبادلات بازرگانی تغییرات زیادی نمود. موافقت‌نامه‌های تجاری دو جانبه که محدودیتهای تجاری را بعد از سال ۱۹۳۴ کاهش داده بودند با بروز جنگ از میان رفتند. بر همین اساس کشورهای صنعتی غرب درصدد

برآمدند که حتی قبل از پایان جنگ، اقداماتی را جهت پایه‌گذاری یک نظام مالی، پولی و تجاری جهت تأمین نیازهای دوران پس از جنگ بعمل آورند. یکی از اهداف منشور آتلانتیک در اوت ۱۹۴۱ و موافقت‌نامه وام - اجاره در فوریه سال ۱۹۴۲ ایجاد یک نظام تجاری جهانی بر مبنای اصل عدم تبعیض و مبادله آزاد کالا و خدمات بود، چراکه به منافع تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها طی سالهای قبل پی برده بودند.

طبیعتاً ابتکار عمل و هدایت این اقدامات در دست چند کشور غربی و بویژه آمریکا بود که هم بزرگترین قدرت اقتصادی و تجاری جهان به شمار می‌رفت و هم این که در زمان جنگ کمترین صدمات را متحمل شده بود. بطوریکه در سال ۱۹۴۴ و قبل از پایان جنگ، کنفرانسی با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتون‌وودز (*Bretton Woods*) تشکیل گردید و طی آن موافقت‌نامه تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه امضاء شد.

پس از پایان جنگ ضرورت تأسیس یک نهاد تجارت جهانی جهت نظم دادن به مبادلات آزاد و از میان برداشتن محدودیت‌ها و امتیازات و کاهش حقوق گمرکی احساس گردید و به تدریج حرکت‌هایی در این جهت آغاز شد.

در سال ۱۹۴۵ آمریکا پیشنهاد تشکیل کنفرانسی برای بوجود آوردن یک سازمان بین‌المللی تجاری را نمود. این کنفرانس سال بعد تشکیل گردید اما بدون دستیابی به هیچ نتیجه‌ای پایان یافت. چندی بعد در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (*Eco Soc*) نیز بوجود آوردن چنین کنفرانسی پیرامون تجارت بین‌الملل مطرح گردید و کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند کشور مأمور تدارک مقدمات آن شدند. پس از مقدمات، سرانجام کنفرانس هاوانا در سال ۱۹۴۷ با حضور نمایندگان ۵۶ کشور در پایتخت کوبا تشکیل شد.

در این کنفرانس بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه با منشور سازمان تجارت جهانی به مخالفت برخاستند و در نتیجه بحث و تبادل نظر، تعداد زیادی پیشنهاد به منشور اضافه گردید. یکی از بخشهای منشور تجارت جهانی، یک قرار داد ۳۴ ماده‌ای بود که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور که عمدتاً کشورهای پیشرفته صنعتی بودند امضاء گردیده این قرارداد همان موافقت نامه تعرفه و تجارت یا گات می‌باشد.

منشور هاوانا اگر چه که پیمان جامعی بود که علاوه بر موضوع مبادلات بازرگانی، مسائلی چون توسعه اقتصادی، اشتغال کامل، بازرگانی دولتی و فعالیت کارتلها را نیز در بر می‌گرفت و علاوه بر اینها در نظر داشت که یک سازمان جهانی جهت نظم دادن به تجارت بین‌المللی تأسیس نماید، اما هرگز صورت واقعیت نیافت زیرا کشورها نتوانستند تصویب آنرا از پارلمانهای خود بگیرند. از منشور هاوانا تنها گات بعنوان یک قرارداد موقتی که در فصل چهارم این منشور منظور شده بود به عنوان تنها یادگار این کوششها باقی ماند و به موجودیت خود ادامه داد.

از سال ۱۹۴۷ تا کنون علاوه بر نشستهای سالانه، هشت دور مذاکرات بین کشورهای عضو بعمل آمده است. که این مذاکرات برای حل مشکلات بوجود آمده در سر راه این موافقت‌نامه و برای گسترش دادن دامنه کاری آن انجام شده‌اند. این هشت دور مذاکرات بدین قرارند.

- | | |
|----------------------------|--------------------|
| ۱۹۴۷ | ۱- مذاکرات ژنو |
| ۱۹۴۹ <i>Anncy</i> | ۲- مذاکرات آنسی |
| ۱۹۵۰-۵۱ (<i>Torquay</i>) | ۳- مذاکرات تورکوای |